

## طلب قرَج

این چه غوغاست ز اینای بشر، می بینم  
این جهان راهمه در فتنه و شر، می بینم  
از جفاکاری شیطان بزرگ و انگلیس  
پنج قاره همه در حال خطر، می بینم  
این پلیدان زمان و همه یارانیش را  
جمله جانی و ز فرعون، بترمی بینم  
ز ره شیطنت و فتنه این بی دینان  
کره ارض همه رانار و سقرمی بینم  
استفاده ز سلاحهای اتمی، امروز  
باعث محو همه نسل بشر، می بینم  
کشتن و بستن مخلوق خدارا، بیجا  
زکثیفان ترورست چو هنر، می بینم

ظلم بیحد به سر مردم بیچاره چرا؟  
ز قوی پنجه و از صاحب زر، می بینم  
همه مردان شده اند خانم و زنها شوهر  
پسران را همه با دار پدر، می بینم  
دختران را نبود عرض ادب، بر مادر  
مادران فاقد الفت، به پسر می بینم

سوء اخلاق رسیده است به حدی ، که کنون  
مرد وزن را همه عریان، دم درمی بینم  
حافظا! سربدر آورتو، ز آرا مگه ات  
آنچه در خواب ندیدی، به بصر می بینم  
حیدری روبه خدا کرده، فَرج کن تو طلب  
همه اکناف جهان ، پرزشرر، می بینم

۲۴ اکتوبر ۲۰۰۵، سدنی

استقبال از شعر حضرت حافظ ع با مطلع ( این چه شوربست که  
در دور قمر می بینم ) .

**داکتر اسدالله حیدری**